

الله أكبر



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

دانشگاه قم

مرکز تربیت مدرس

رساله دکترا (Ph.D) رشته فلسفه تطبیقی

موضوع

عقل و دین از نگاه ابن رشد

استاد راهنما

دکتر محسن جوادی

استادان مشاور

آیت الله علی عابدی شاهرودی

دکتر محمد ذبیحی

نگارش

نادر شکراللهی

سال ۱۳۸۶

۱۰۵۳۹

مرکز اطلاعات و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۷/۱۶/۲۷



مرکز تربیت مدرس

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

همه کسانی که به اعتلای انسانیت می اندیشند

با تشکر از همه کسانی که در انجام رسیدن این نوشته مرا یاری کردند و در طول سالهای طولانی از آنان آموختم خصوصاً اساتید محترم راهنما و مشاور جناب دکتر محسن جوادی که با دلسوزی و دقت مرا یاری کردند و جناب استاد آیت الله عابدی شاهرودی و دکتر ذبیحی که علاوه بر آموختن مطالب علمی از این عزیزان درس اخلاق و بزرگواری آموختم و تشکر از خانواده و همسرم که از هیچ کمکی دریغ نکردند و پدر و مادرم که دلگرمی های آنان همیشه مددکارم بود.

چکیده

مقصود از عقل در این بحث، فلسفه به معنای عام است که شامل دو بخش نظری و عملی می‌شود، و مقصود از دین آموزه‌ها و مقرراتی است که از طریق وحی به پیامبر(ص) رسیده است، و مقصود از نسبت عقل و دین، دستوری است؛ یعنی عقل و دین از نظر این‌رشد چه نسبتی باید برقرار کنند، و توصیفی به معنای توصیف عملکرد این‌رشد در جمع عقل و دین نخواهد بود. بحث عقل و دین را به سه بخش تقسیم کرده‌ایم؛ الف) عقل و مبانی دینی ب) عقل در حوزه نظری (حکمت نظری) ج) دین و عقل در حوزه عملی (حکمت عملی) و دین در قسمت اول به بحث ادله اثبات خداوند و صدق نبوت پرداخته‌ایم. این‌رشد برای اثبات وجود خداوند به دو دلیل اختراع و عنایت استناد می‌کند و در بحث صدق نبی به معجزه تکیه نمی‌کند و دلیل صدق را خود پیام دینی می‌داند که باید نشان دهد که از سنخ معارف معمول بشری نیست. در بخش دوم یا حوزه ارتباط عقل نظری و دین که این‌رشد با صراحت بیشتری سخن می‌گوید معتقد است که دین و فلسفه با هم متعارض نیستند و هر گاه تعارضی رخ دهد باید ظاهر دین را تأویل برد. و تأویل یعنی عبور از ظواهر دینی با توجه به قرائن برای رسیدن به معنای باطنی بر اساس یافته‌های برهانی و این تأویل مخصوص راسخان علم است که فیلسوفان هستند و نباید این تأویلات را در اختیار دیگران قرار دهند زیرا مردم سه گروه هستند، اهل برهان، اهل جدل و عموم مردم که اهل خطابه هستند. غیر از اهل برهان اگر این تأویلات را بشنوند آن را نمی‌فهمند و از دین نیز روی بر می‌گردانند. دیدگاه این‌رشد در بخش سوم یعنی ارتباط حکمت عملی و مقررات عملی دین تا حدی مبهم است. زیرا از سویی می‌گوید که در مبانی شریعت نباید چون و چرا کرد زیرا این امور تقلیدی است و باعث بوجود آمدن فضائل در جامعه هستند. و از سوی دیگر او خود به تلخیص سیاست افلاطون و اخلاق ارسطو می‌پردازد و در موارد تعارض با مبانی فقهی به توجیه آن نمی‌پردازد و آن را نقد نمی‌کند. و این باعث این اختلاف شده است که آیا او شریعت به معنای فقه یا مجموعه مقررات عملی دین را به تبع حکمت عملی تأویل می‌کند و یا از تأویل در حوزه فقه اجتناب می‌کند؟

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه:
۲.....	۱- بیان مسئله
۳.....	۲- اهمیت و فایده آن
۴.....	۳- پرسش اصلی:
۴.....	۴- فرضیات:
۵.....	۵- پرسشهای فرعی
۵.....	۶- سابقه پژوهش:
۶.....	۷- روش تحقیق
۷.....	۸- سازماندهی تحقیق
۸.....	فصل اول کلیات
۹.....	۱-۱- معنای عقل:
۹.....	۱-۱-۱- معنای لغوی عقل
۱۰.....	۱-۱-۲- معنای اصطلاحی عقل
۱۶.....	۱-۲-۱-۱- عقل نظری و عملی:
۲۲.....	۱-۱-۲-۱-۱- مراتب عقل مُدرک انسانی:
۲۸.....	۱-۲-۱-۲- تعریف دین:

- ۲۸-۱-۲-۱- معنای لغوی دین ۲۸
- ۳۰-۲-۲-۱- معنای اصطلاحی دین: ۳۰
- ۳۵-۳-۱- مسئله عقل و دین ۳۵
- ۳۸-۱-۳-۱- مسئله عقل و دین در تفکر بشری: ۳۸
- ۳۹-۱-۱-۳-۱- مسئله عقل و دین در غرب ۳۹
- ۴۱-۲-۱-۳-۱- مسئله عقل و دین از نگاه متفکران اسلامی: ۴۱
- ۴۳-۱-۲-۱-۳-۱- فقیهان و مسئله عقل و دین: ۴۳
- ۴۳-۲-۲-۱-۳-۱- متکلمان و مسئله عقل و دین: ۴۳
- ۴۵-۳-۲-۱-۳-۱- فیلسوفان و مسئله عقل و دین ۴۵
- ۴۵-۱-۳-۲-۱-۳-۱- اثبات وحدت منبع فلسفه و دین: ۴۵
- ۴۶-۲-۳-۲-۱-۳-۱- وحدت هدف: ۴۶
- ۴۷-۳-۳-۲-۱-۳-۱- وحدت آموزه‌های فلسفه و دین: ۴۷
- ۴۷-۴-۳-۲-۱-۳-۱- وحدت روش: ۴۷
- ۴۸-۵-۳-۲-۱-۳-۱- وجوب فلسفه از نظر دین به عنوان مقدمه واجب: ۴۸
- ۴۸-۶-۳-۲-۱-۳-۱- تشویق قرآن به خود فلسفه: ۴۸
- ۴۹-۷-۳-۲-۱-۳-۱- تأیید دین از عقل و علم: ۴۹
- ۴۹-۸-۳-۲-۱-۳-۱- تأسیس فلسفه‌های جدید: ۴۹
- ۵۰-۹-۳-۲-۱-۳-۱- فلسفه‌های خاص بلکه احصا: ۵۰
- ۵۰- تتمه: شیوه جمع این دو ۵۰

- ۴-۱- ابن رشد و زندگی او و عالمان تأثیرگذار بر او: ۵۱
- ۴-۱-۱- زندگینامه ابن رشد: ۵۳
- ۴-۱-۲- آثار ابن رشد: ۶۴
- ۴-۱-۳- اندلس در زمان ابن رشد: ۶۸
- ۴-۱-۳-۱- علم و فلسفه: ۶۸
- ۴-۱-۳-۲- مکتب مسریه: ۷۳
- ۴-۱-۳-۲-۱- اهمیت مذهب مسری: ۷۵
- ۴-۱-۴- عالمان تأثیرگذار بر ابن رشد: ۷۶
- ۴-۱-۴-۱- افلاطون: ۷۶
- ۴-۱-۴-۲- ارسطو: ۷۷
- ۴-۱-۴-۳- مکتب نوافلاطونی: ۸۰
- ۴-۱-۴-۴- فارابی: ۸۰
- ۴-۱-۴-۵- ابن سینا: ۸۱
- ۴-۱-۴-۶- غزالی: ۸۱
- ۴-۱-۴-۷- ابن باجه: ۸۳
- ۴-۱-۴-۸- ابن طفیل: ۸۷
- ۴-۱-۴-۹- محی الدین عربی: ۹۷
- ۵-۱- آیا ابن رشد یک فیلسوف است یا متکلم؟ ۹۹
- فصل دوم: ابن رشد و مسئله عقل و دین ۱۰۳

- ۱۰۴..... ۱-۲- مسئله محوری عقل و دین در اندیشه ابن رشد:
- ۱۰۶..... ۱-۱-۲- تعریف فلسفه از نگاه ابن رشد:
- ۱۰۶..... ۱-۱-۱-۲- تعریف به موضوع
- ۱۱۰..... ۱-۱-۲- تعریف فلسفه به روش
- ۱۱۱..... ۱-۲-۱-۱-۲- تعریف قیاس عقلی:
- ۱۱۳..... ۱-۱-۲- برهان چیست:
- ۱۱۴..... ۱-۱-۲- یقین چیست؟
- ۱۱۸..... ۱-۱-۲- آیا همه براهین در فلسفه قابل استفاده است؟
- ۱۲۵..... ۱-۱-۲- غایت فلسفه
- ۱۲۶..... ۱-۲- مراد ابن رشد از دین
- ۱۲۷..... ۱-۲- مسئله عقل و دین در نگاه ابن رشد:
- ۱۳۱..... فصل سوم: عقل و مبانی دینی
- ۱۳۲..... ۱-۳- اثبات وجود خدا
- ۱۳۶..... ۱-۱-۳- ادله عقلی اثبات خدا
- ۱۳۸..... ۱-۱-۱-۳- دلیل عنایت
- ۱۳۹..... نقد و بررسی:
- ۱۳۹..... نقد مقدمه یا اصل اول:
- ۱۳۹..... نقد مقدمه دوم:
- ۱۳۹..... نقدی دیگر:

- ۱۴۰..... ۳-۱-۱-۲- دلیل اختراع
- ۱۴۲..... ۳-۲- نیاز به دین
- ۱۴۵..... بازسازی مقدمات این استدلال:
- ۱۴۵..... نقد و بررسی:
- ۱۴۶..... ۳-۳- وحی و نبوت:
- ۱۴۷..... ۳-۳-۱- امکان نبوت و دین:
- ۱۴۹..... ۳-۳-۲- ماهیت نبوت و وحی
- ۱۵۲..... ۳-۳-۳- ملاک صدق نبی:
- ۱۵۶..... ۳-۳-۱- نظر ابن‌رشد در باب دلیل صدق نبوت به طور عام:
- ۱۵۷..... نقد و بررسی:
- ۱۵۸..... ۳-۳-۲- دلیل نبوت به صورت خاص:
- ۱۶۰..... نقد و بررسی:
- ۱۶۱..... ۳-۴- کثرت ادیان:
- ۱۶۳..... نقد:
- ۱۶۴..... فصل چهارم: تعارض یا سازگاری آموزه‌های وحیانی و عقلی در حوزه نظری
- ۱۶۵..... ۴-۱- دلیل نفی تعارض عقل و دین
- ۱۶۶..... بازسازی استدلال ابن‌رشد:
- ۱۶۷..... تفصیل مطلب از زبان ابن‌رشد:
- ۱۶۸..... نیاز به منطق یونانیان:

- ۱۶۹..... نیاز به فلسفه یونانیان:
- ۱۷۰..... پاسخ به یک اشکال:
- ۱۷۱..... نقد و بررسی دلیل ابن‌رشد:
- ۱۷۱..... نقد اول:
- ۱۷۳..... نقد دوم:
- ۱۷۳..... نقد سوم:
- ۱۷۶..... نقد چهارم:
- ۱۷۷..... ۲-۴- نسبت آموزه‌های دینی و عقلی (فلسفی) در حوزه مسائل نظری
- ۱۷۸..... ۱-۲-۴- نسبت قلمرو دین و عقل:
- ۱۸۰..... ۳-۴- در تعارض چه باید کرد؟
- ۱۸۱..... ۱-۳-۴- تأویل
- ۱۸۱..... ۱-۱-۳-۴- معنای تأویل از نگاه ابن‌رشد:
- ۱۸۲..... ۱-۱-۳-۴- تأویل و ظواهر متون دینی
- ۱۸۳..... ۱-۱-۳-۴- آیا همه متون دینی تأویل دارد؟
- ۱۸۳..... ۱-۱-۳-۴- کدام آیات تأویل دارند؟
- ۱۸۵..... ۱-۱-۳-۴- دلیل جواز تأویل
- ۱۸۵..... ۱-۱-۳-۴- دلیل اول:
- ۱۸۵..... ۱-۱-۳-۴- دلیل دوم:
- ۱۸۶..... ۱-۱-۳-۴- دلیل سوم:

- ۱۸۶..... ۴-۳-۱-۱-۴-۴-۴ دلیل چهارم:
- ۱۸۸..... ۴-۳-۱-۱-۵-۱ چه کسی مجاز به تأویل است؟
- ۱۹۰..... ۴-۳-۱-۱-۶-۱ آیا می توان سخنان مؤول را در اختیار همگان قرار داد؟
- ۱۹۲..... ۴-۳-۱-۲-۲-۱ معنای تأویل
- ۱۹۲..... ۴-۳-۱-۲-۱-۱ معنای لغوی تأویل:
- ۱۹۳..... ۴-۳-۱-۲-۲-۲ تأویل در قرآن:
- ۱۹۳..... ۴-۳-۱-۲-۳-۳ معنای اصطلاحی تأویل :
- ۱۹۸..... ۴-۳-۱-۳-۳ بررسی سخنان ابن رشد در باب تأویل:
- ۱۹۹..... ۴-۳-۱-۱-۳-۱ نقد بر تعریف تأویل:
- ۲۰۰..... ۴-۳-۱-۲-۳-۲ نقد بر بحث آیا همه قرآن تأویل دارد؟
- ۲۰۱..... ۴-۳-۱-۳-۳-۳ نقد ادله جواز تأویل:
- ۲۰۱..... ۴-۳-۱-۳-۳-۱ دلیل اول:
- ۲۰۴..... ۴-۳-۱-۳-۳-۲ دلیل دوم :
- ۲۰۴..... ۴-۳-۱-۳-۳-۳ دلیل سوم:
- ۲۰۵..... ۴-۳-۱-۳-۳-۴ دلیل چهارم :
- ۲۰۶..... ۴-۳-۱-۳-۴-۴ نقدی بر بحث: راسخان در علم چه کسانی هستند؟
- ۲۰۷..... ۴-۳-۲-۲-۲ دین و لایه های مختلف
- ۲۰۸..... ۴-۳-۲-۱-۱ ظاهر و باطن شرع:
- ۲۱۰..... ۴-۳-۲-۱-۱-۱ باطن چگونه معنایی است؟

- ۲۱۳..... ۴-۳-۲-۲- چرا دین ظاهر و باطنی دارد؟
- ۲۱۳..... جمع‌بندی بحث تأویل:
- ۲۱۴..... ۴-۴- حقیقت دوگانه:
- ۲۲۰..... فصل پنجم نسبت عقل و دین در حوزه عملی
- ۲۲۱..... ۱-۵- مقصود از حوزه عملی:
- ۲۲۳..... ۲-۵- وضعیت حکمت عملی در فلسفه اسلامی:
- ۲۲۸..... ۱-۲-۵- ابن‌رشد و حکمت عملی:
- ۲۲۹..... ۱-۱-۲-۵- اراده و اختیار:
- ۲۳۰..... تعارض ادله نقلی:
- ۲۳۲..... ۲- تعارض ادله عقلی
- ۲۳۲..... راه‌حل تعارض ادله:
- ۲۳۷..... نقد و بررسی:
- ۲۳۸..... ۲-۱-۲-۵- آیا دین در حوزه مسائل عملی نظری دارد؟
- ۲۴۶..... ۳-۱-۲-۵- ابن‌رشد و مبانی احکام:
- ۲۴۶..... ۱-۳-۱-۲-۵- اخلاق ذاتی است یا شرعی:
- ۲۴۹..... ۱-۱-۳-۱-۲-۵- دلیل ذات‌گرایی ابن‌رشد:
- ۲۴۹..... زبان احساسی:
- ۲۴۹..... زبان استبعادی:
- ۲۵۰..... دلیل نقلی بر ذات‌گرایی:

- اشکال اول به دلیل نقلی ابن رشد: ۲۵۰
- نقد بر ابن رشد: ۲۵۱
- رفع تعارض از آیات متعارض: ۲۵۲
- نقد و پاسخ: ۲۵۳
- پاسخ بر اساس نظریه شر: ۲۵۳
- اشکال دوم و پاسخ آن: ۲۵۳
- دلیل عقلی ابن رشد بر ذات گرایی: ۲۵۵
- ۴-۱-۲-۵- چگونه علم به گزاره‌های اخلاقی: ۲۵۵
- ۱-۴-۱-۲-۵- ابن رشد در علم به گزاره‌های اخلاقی بین دین و فلسفه مردد است: ۲۵۶
- نقد و بررسی: ۲۵۹
- جمع‌بندی این بخش: ۲۵۹
- جمع‌بندی نهایی ۲۶۱
- سخن آخر: چرا ابن رشد در بین همدینان خود منزلتی نیافته است؟ ۲۶۷
- Abstract: ۲۷۱
- منابع: ۲۷۳
- فارسی: ۲۷۳
- عربی: ۲۷۸
- انگلیسی: ۲۸۷

مقدمه:

کلیات تحقیق

۱- بیان مسئله

نسبت‌سنجی دو حوزه معرفتی دین و فلسفه و به عبارت دیگر دین و عقل یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بوده است که از دیرباز ذهن بشری را به خود مشغول کرده است و هر متفکری کوشیده است که در این میان به سویی تمایل نشان دهد و در میدان اندیشه سهمی داشته باشد. این موضوع هنوز هم جزء مهم‌ترین مسائلی است که پاسخ می‌طلبد، به ویژه با توجه به ظهور حکومت‌های دینی و ابتدای آنها بر آموزه‌های فقهی، و از سویی داعیه تمدن‌سازی و مبتنی بودن تمدن بر تاملات عقلانی، ضرورت پرداختن به این مسئله احساس می‌شود. هنوز هم عده‌ای معتقدند که منطق حاکم بر معرفت دینی با منطق حاکم بر فلسفه اسلامی متفاوت است و این دو را باید از یکدیگر دور نگاه داشت، و عده‌ای معتقدند که فلسفه اسلامی با تلاش برای هماهنگی با دین به دامان کلام غلتیده است و ماهیت عقلانی خویش را تضعیف کرده است. و می‌دانیم که این رشد را یک عقل‌گرایی

اسلامی می‌دانند و از سوی دیگر یک متشرع و صاحب کرسی افتاء، پس نگاه به او در جمع عقل و دین با توجه به نیاز امروز ما می‌تواند صورت مسئله را روشن‌تر کند و با گذشت هشت قرن از تلاش او و مشخص شدن نقاط قوت و ضعف نظریه او می‌تواند یک تجربه معرفتی را در اختیار ما بگذارد و ما را از تکرار خطا بر حذر دارد.

۲- اهمیت و فایده آن

راه‌حل ابن‌رشد در جمع عقل و دین یا فلسفه و دین از چند جهت برای ما مهم است:

۱- او بیش از هر دانشمند مسلمانی به آموزه‌ها، اصول و روش فلسفه مشاء که توسط ارسطو نظم و نسق یافت، وفادار ماند و حتی فارابی و ابن‌سینا را متکلم می‌دانست، ولی خود او هم تلاش می‌کند بین دین و فلسفه جمع کند و این تنوع تلاش فیلسوفان اسلامی در حل این مسئله نکته-آموز است.

۲- ابن‌رشد بیش از گذشتگان از فلاسفه اسلامی به نسبت دین و فلسفه اندیشید و این از آن جهت بود که پس از حملات غزالی بر فلاسفه و تکفیر آنها در کتاب "تهافت الفلاسفه" جو ناامنی برای فیلسوفان ایجاد شد و قصه سکوت ابن‌رشد در مقابل سوال ابویعقوب که از نظر فلاسفه در مورد افلاک و حدوث و قدم آن پرسیده بود، نشان از دشواری تفکر فلسفی در آن دوران داشت و او مجبور بود که یا فیلسوف بودن خود و فلسفه را به طور کلی منکر شود و یا اینکه در مقابل غزالی و دیگر مخالفان فلسفه بایستد و هماهنگی دین و فلسفه را مستدل کند. او راه دوم را برگزید. پس تلاش برای حل این مسئله در فلسفه او امری جنبی نیست، بلکه حل یک معضل حیاتی در تمدن اسلامی است. و به نظر بعضی "راه حل او در این مورد واقعا ابتکار آمیز بود".^۱

۱- ر.ک. م. شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۱، ص ۷۷۷.

۳- ابن‌رشد را بعضی- به ویژه در غرب- بزرگترین فیلسوف اسلامی می‌شناسند.^۱ که البته به نظر برخی این سخن اغراق‌آمیز است، ولی به هر حال بسیاری از صاحب‌نظران او را بزرگترین فیلسوف مغرب تمدن اسلامی تلقی می‌کنند و تفسیر او را از فلسفه ارسطو پایه‌گذار نوعی سنت فلسفی در غرب می‌دانند که به ابن‌رشدی‌های لاتینی معروف است، اما چنانکه شایسته است در کشور ما شناخته‌شده نیست. هر چند عده‌ای در سال‌های اخیر به او توجه کرده‌اند، اما کمتر به مسئله اساسی فلسفه وی یعنی نسبت دین و فلسفه پرداخته‌اند.

۴- ابن رشد علاوه بر این که فیلسوف است، یک فقیه صاحب‌رای و قاضی‌القضات نیز بود، (مضافاً اینکه در رشته‌های دیگر علمی نیز صاحب‌اثر است) و بعضی از کتاب‌های او صبغه کلامی دارد. در هر صورت تلاش یک فقیه فیلسوف، در جمع بین دین و فلسفه می‌تواند نکته‌آموز باشد. و این نسبت‌سنجی در اندیشه او تنها در حوزه مسایل نظری باقی نمی‌ماند و به حوزه عمل و فقه هم سرایت می‌کند که اتفاقاً بیشترین دشواری مسئله هم به این حوزه بر می‌گردد.

۳- پرسش اصلی:

پرسش اصلی ما در اینجا همان عنوان این تحقیق است یعنی این که این فیلسوف تأثیرگذار بر تمدن بشری چه راه‌حلی را برای جمع کردن یافته‌های عقلی و آموزه‌های وحیانی مطرح کرده است.

۴- فرضیات:

در تمدن اسلامی و در بین متفکران یهودی و مسیحی برای جمع دین و فلسفه راه‌هایی مطرح کرده- اند و آن چه معروف است آن است که ابن‌رشد به دلیل شرایط خاص فرهنگی زمانه خود و گرایشات فکری خود راه حل جدیدی عرضه کرده است و البته در توضیح نظریه او متفکران به راه-

1 -Oliver Leaman.*Ibn Rushd*.P.638. Routlege Encyclopedia Of Philosophy.V4, Edward Craig(ed) London and Newyark, 1998.

های مختلفی رفته‌اند. بعضی بر این باورند که این فیلسوف قرطبه، دین را تابع فلسفه یونانی قرار داد و جز نامی در این میان از دین باقی نماند و بعضی دیگر به خلاف این نظریه رأی داده‌اند و قول سوم که قولی است که طرفداران زیادی در قرون وسطی یافت آن است که او در این تلاش خود به نظریه حقیقت دوگانه رسید. هر سه این فرضیات قابل بررسی است و ما در این نوشته کوشیدیم که با توجه به متون باقی مانده از او به کشف نظر او بپردازیم.

۵- پرسش‌های فرعی

پرسش‌های ما در این تحقیق عبارت بود از ۱- مقصود ابن‌رشد از عقل و دین چیست ۲- یافته‌های عقلی چه حکمی در باب مبانی دینی دارند. یعنی در مورد اموری که پیش از ورود در دین باید شخص تکلیف خود را با آنها روشن کند. ۳- نسبت آموزه‌های دینی و یافته‌های عقلی در حوزه امور نظری. ۴- نسبت عقل و دین در حوزه امور عملی.

۶- سابقه پژوهش:

یکی از دشواری‌های شناخت اندیشه ابن‌رشد در این نکته نهفته است که در کجا او فقط شارح اندیشه متفکران پیشین است و در کجا او سخن خود را می‌گوید. و در آن جایی که او به شرح اندیشه فلاسفه گذشته نمی‌پردازد و کتاب مستقلی می‌نویسد، آیا او نظر واقعی خود را ابراز می‌کند یا به موافقت افکار عمومی سخن می‌گوید. در این مسئله اختلاف نظر جدی بین کسانی که به بررسی اندیشه او پرداخته‌اند دیده می‌شود.

می‌توان کسانی را که به این مسئله پرداخته‌اند در چند گروه تقسیم کرد: ۱- کسانی که هیچ استقلالی برای ابن‌رشد قائل نیستند و او را تنها شارح اندیشه ارسطو می‌دانند. این نظر را نمی‌توان پذیرفت زیرا